



چنان محو تو بنشستم

که عقل و هوش رفته از دستم

نگاه تو بردلم نقشی کشید

که نار و پودم را به آتش کشید

(حضور تو چه عظیم است

حضور تو چه مهیب است) (۴)

(نمیدانم چرا وقتی که بیتابم

تو می آیی واسه دلتنگی های من) (۲)

(حضور تو چه عظیم است

حضور تو چه مهیب است) (۴)

(نمیدانم چرا وقتی که بیتابم

تو می آیی واسه دلتنگی های من) (۲)

